

مقایسه‌ی رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بنا در مدارس تلفیقی و استثنایی

دکتر محمد باقر کجباف / عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان
مهری رستمی : کارشناس ارشد روان‌شناسی

چکیده

اجتماعی کردن درست کودکان و نوجوانان و آموزش مهارت‌های اجتماعی لازم به آنها همواره یکی از اهداف عالی نظام آموزش و پرورش بوده است. مزایای مدارس و کلاس‌های تلفیقی برای دانش‌آموزان استثنائی فراتر از نتایج تحصیلی است. محیط مدارس عادی، رشد اجتماعی و عاطفی کودکان استثنایی و در واقع تمام جنبه‌های یادگیری آنها را تحریک می‌کند (سعیدی، ۱۳۸۳).

نقش آموزش تلفیقی و تأثیر نوع مدرسه به عنوان یکی از عوامل محیطی مؤثر در رشد اجتماعی دانش‌آموزان دارای ناتوانی به ویژه مشکلات بینایی در مقطع راهنمایی، لزوم انجام پژوهش مورد نظر را ایجاب نمود. در این پژوهش به بررسی و مقایسه‌ی رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بنا مدارس تلفیقی با مدارس ویژه پرداختیم و آنها را با پرسشنامه‌ی واینلند ارزیابی کردیم. پژوهش شامل ۳۰ دانش‌آموز استثنایی بود که به طور تصادفی انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل آماری (آزمون F.T) نشان داد میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بنا در دوره‌ی راهنمایی در مدرسه‌ی ویژه‌ی نابینایان با مدارس تلفیقی تفاوت معناداری دارد.

- دانش‌آموزان دختر نیمه‌بینایی که در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند، از رشد اجتماعی بهتری نسبت به دانش‌آموزان دختر نیمه‌بینای مدارس ویژه برخوردارند.

مقدمه

در سال‌های نخست زندگی، نقش خانواده بر شخصیت کودک از همسالان مهمتر است و به تدریج همسالان، مدرسه و رسانه‌های گروهی در دوره‌ی نوجوانی از نظر تأثیر بر شخصیت نوجوان نقش محوری پیدا می‌کنند. همراه با بالا رفتن سن نوجوان، نقش همسالان به عنوان عامل تقویت‌کننده و الگوافزایش می‌یابد. همسالان از راه‌های منحصر به فرد در شکل‌گیری شخصیت، رفتار اجتماعی، ارزش‌ها و نگرش‌های یکدیگر دخالت دارند (قباشی، ۱۳۷۹).

ماهیت تعاملی رشد به این حقیقت اشاره می‌کند که کودک لحظه به لحظه با محیطش تعامل دارد، تغییراتی در افراد و اشیاء به وجود می‌آید و در همان زمان خودش نیز بر افراد و اشیاء تأثیر می‌گذارد. نتایج پژوهش‌های انجام شده به وسیله‌ی یونسکو نشان داده بچه‌ها قادر به خود تنظیمی رفتار محیط تلفیقی هستند (پاجینا^۱، ۲۰۰۵).

ابتدا باید درک کنیم شاگردانی که در مدارس ویژه رشد می‌کنند، دچار آسیب‌های اجتماعی می‌شوند. چرا که به وسیله‌ی انرژی مشابه خود محدود شده‌اند و وضعیتشان را بسیار خوب می‌دانند و معتقدند زندگی شادی در دنیای خودشان دارند. تماس‌هایشان با بچه‌های بی‌نا بسیار محدود شده و حتی از مشکلات ارتباطی خود بی‌خبرند (پاجینا، ۲۰۰۵).

افتخار (۱۳۸۱) به بررسی کیفیت زندگی دانش آموزان نابینا و همتای بینای آنها پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان داد بین کیفیت زندگی دو گروه مورد بررسی تفاوت معنی داری وجود ندارد. ولی در حوزه‌ی تحرک بین کیفیت زندگی دو گروه تفاوت معناداری دیده می‌شود.

در پژوهشی شیرانی (۱۳۸۲) به بررسی تأثیر آموزش شناختی بر عزت نفس دانش آموزان نابینای دختر و پسر مقطع راهنمایی آموزشگاه ابابصیر شهر اصفهان پرداخته است. یافته‌ها نشان دادند بین میانگین عزت نفس کلی دو گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون تفاوت معنی داری وجود دارد. مقایسه‌ی میانگین عزت نفس کلی دو گروه پسر و دختر در پس آزمون تفاوت معنی داری را نشان نمی‌داد و تأثیر متقابل جنسیت و آموزش عزت نفس معنی دار نبود، بنابراین بین نمرات عزت نفس و معدل تحصیلی دو گروه رابطه‌ی معنی داری وجود داشت. به عبارتی دانش آموزانی که معدل تحصیلی بالاتری داشتند، در پس آزمون نمرات عزت نفس بیشتری کسب کردند. در این پژوهش نتیجه گرفته شد آموزش شناختی در افزایش عزت نفس دانش آموزان نابینای پسر و دختر مؤثر است.

وان هاسلت (۱۹۸۳) در پژوهش دیگری درباره‌ی طیف وسیعی از مشکلات سازگاری اجتماعی کودکان آسیب دیده‌ی بینایی به موارد زیر تأکید کرد:

- ۱- افزایش دامنه‌ی مهارت‌های اجتماعی
 - ۲- ممانعت از رفتار بد اجتماعی به وسیله‌ی افزایش مهارت‌های لازم
 - ۳- تغییر نگرش‌های اجتماع در برابر افراد نابینا
- پاسناک روبرت^۷ (۲۰۰۴) در پژوهشی بیست کودک ۵ تا ۱۰ ساله‌ی آسیب دیده‌ی بینایی را

امروزه پژوهشگران معتقدند محیط‌های آموزشی باید دارای تعاملات تجربی، اجتماعی و زبانی باشند و از محیط صرف کودکان استثنایی به محیط‌های افراد عادی کشانده شوند (استین بک^۳ و ایرس ایرس^۴، ۱۹۹۶).

تعاملات اجتماعی بچه‌های دارای ناتوانی همانند بچه‌های عادی است و از نظر آموزشی نیز بچه‌های دارای ناتوانی همان موضوعات و مواد درسی دانش آموزان عادی را دریافت می‌کنند (سلن^۴، ککلیس^۵، گیلفورد^۶، ۱۹۹۲).

مستعلمی (۱۳۸۱) اثر بخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش اعتماد به نفس دختران نابینای دبیرستان نرجس تهران را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده که آموزش مهارت‌های اجتماعی اعتماد به نفس دختران نابینا را افزایش داده است.

**ماهیت تعاملی رشد به این
حقیقت اشاره می‌کند که کودک
لحظه به لحظه با محیطش تعامل دارد،
تغییراتی در افراد و اشیا به وجود می‌آید و
در همان زمان خودش نیز بر افراد
و اشیا تأثیر می‌گذارد**

مورفی و همکاران (۱۹۸۸) رشد اجتماعی کودکان استثنایی را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که کودکان استثنایی از رشد اجتماعی بسیار کمتری نسبت به کودکان عادی برخوردارند. رشد اجتماعی به وسیله‌ی تقلید و مشاهده‌ی رفتار دیگران و از راه انتقال فرهنگ صورت می‌پذیرد و چون کودکان استثنایی در تقلید ناتوان هستند، نمی‌توانند مهارت‌های لازم را در این زمینه کسب کنند. بنابراین، رشد اجتماعی کمتری دارند.

مشاهده نشده است.

۲. میزان تحصیلات والدین در رشد اجتماعی فرزندان تأثیر نداشته است.
۳. پایه‌ی تحصیلی دانش‌آموزان نیز در رشد اجتماعی تأثیر نداشته است.

هالاهان و کافمن^۸ (۱۹۹۱) به نقل از شریفی (۱۳۷۹) اظهار می‌کنند، احتمالاً مهمترین توانایی برای سازگاری موفقیت‌آمیز غالب افراد آسیب دیده‌ی بینایی تحرک و مهارت آنها در حرکت به اطراف در محیط خود است.

- گزارش کولیس^۹ (۱۹۹۴) به نقل از همان منبع، در مورد زبان و گفتار کودکان نابینا نشان می‌دهد دو دیدگاه کلی در مورد تحول زبان و گفتار کودکان نابینا وجود دارد. یک دیدگاه آن است که نابینایی



تغییری در توانایی و کاربرد زبان ایجاد نمی‌کند. اغلب این متخصصان عقیده دارند دانش‌آموزان آسیب‌دیده‌ی بینایی در هوش کلامی فرق چندانی با همسن و سالان بینا ندارند.

- بتمن^{۱۰} (۱۹۸۵) به نقل از شریفی، عقیده دارد فقط جنبه‌های محدودی از ارتباط، که چندان هم مهم نیستند، نظیر ادا و اطوارهای بدنی میان افراد آسیب‌دیده‌ی بینایی و افراد بینا متفاوت است. اعتقاد اصلی هواداران عدم تفاوت بین تحول زبان کودکان

آموزش داد. کودکان در دو گروه به یادگیری برخی مفاهیم طبقه‌بندی شده پرداختند. نتایج نشان داد یادگیری و آموزش مفاهیم در غلبه بر بعضی کمبودهای مفاهیم ذهنی در کودکان آسیب‌دیده‌ی بینایی مؤثر بود.

لوونفلد در ۱۹۵۷ به نقل از جوادیان (۱۳۷۱) فعالیت‌های خلاقه‌ی کودکان نابینا و نیمه بینا و عوامل روانی درگیر در آنها را به طور فشرده‌ای مطالعه کرد. وی دو حالت مختلف ادراک، یکی ادراک حسی یا تماسی و دیگری ادراک بینایی را در آنها تشخیص داد. حالت لمسی بر اساس تجارب بدنی نزدیک فرد است و مقدمتاً به فضای قابل تماس اطراف او مربوط می‌شود. حالت بینایی مربوط به محیط فرد و عدم جدایی بینایی از آن است. فعالیت خلاقانه که به کودک اجازه می‌دهد تا طبق آن عملی را انجام دهد و خودش را معرفی کند، یک وسیله‌ی مهم سازگاری (با محیط) است. با آزاد کردن فشار عاطفی می‌توان به کودک کمک کرد تا بر احساس خود کم بینی و انزوای خود از محیط غالب آید.

وان هاسلت (۱۹۸۵) در پژوهشی برای تعیین کمبود مهارت‌های اجتماعی در بزرگسالان آسیب‌دیده‌ی بینایی، به این نتیجه رسید افراد نابینا در مهارت‌های اجتماعی، در گفتار و عمل ضعیف هستند ولی این کاستی‌ها در همه‌ی افراد یکسان نیست. در پژوهش حاضر که به مقایسه‌ی رشد اجتماعی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی در مدارس عادی و ویژه اصفهان پرداخته، به اختصار نتایج زیر به دست آمده است:

۱. رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر نیمه بینا که در مدارس عادی مشغول به تحصیل هستند، نسبت به مدارس ویژه بهتر است اما در پسران تفاوت معناداری

سال ۱۹۵۳ به وسیله‌ی دال^{۱۳} ساخته شد و در سال ۱۹۶۵ میلادی مورد تجدید نظر قرار گرفت. این پرسشنامه میزان مسئولیت فردی و توجه به نیازهای شخصی را می‌سنجد. این مقیاس اعمالی را که فرد در زندگی روزمره انجام می‌دهد، بررسی می‌کند و هشت مقوله را مورد ارزیابی قرار می‌دهد که عبارتند از: خودیاری عمومی، خودیاری غذا خوردن، خودفرمایی، توانایی در لباس پوشیدن، اشتغال، تعاملات زبانی، جابه‌جایی و تعاملات اجتماعی (عقبلی، ۱۳۷۰).

با توجه به نمره‌ی آزمون در این مقیاس، می‌توان سن اجتماعی و سن تقویمی را محاسبه کرد. اطلاعات مورد نیاز درباره‌ی آزمودنی نه فقط از راه آزمون، بلکه به وسیله‌ی آگاهان (والدین، آموزگار، خانواده یا خود آزمودنی) فراهم می‌شود.

جدول شماره (۱): بررسی مقایسه‌ای رشد اجتماعی بین دانش‌آموزان نیمه‌بینای مدارس استثنایی و تلفیقی

سطح معناداری	t	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های آماری
				دانش‌آموزان
۰/۰۱۵	۲/۵۱	۳/۹۲	۱۰۲/۳۶	مدارس تلفیقی
		۶/۱۳	۹۹/۰۳	مدارس استثنایی

بر اساس جدول شماره (۱) مشاهده شده در سطح $P \leq ۰/۰۵$ نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بینای دختر مدارس استثنایی و مدارس تلفیقی وجود دارد. همچنین بررسی میانگین دو گروه دانش‌آموزان نشان می‌دهد دانش‌آموزان دختر نیمه‌بینایی که در مدارس تلفیقی مشغول به تحصیل هستند، از رشد اجتماعی بهتری نسبت به دانش‌آموزان دختر نیمه‌بینای مدارس خاص برخوردارند.

بینا و نابینا این است که چون تحول زبان تابع حس آموختن است، بنابراین نقش ادراک شنوایی از ادراک بینایی مهمتر است. تنها به همین خاطر است که نابینایان در عملکرد زبان تقریباً بی‌نقص هستند و برای استفاده از آن بیش از کودکان بینا انگیزه دارند.

احتمالاً مهمترین توانایی برای سازگاری موفقیت‌آمیز غالب افراد آسیب‌دیده‌ی بینایی تحرک و مهارت آنها در حرکت به اطراف در محیط خود است

- مک کوایر و میرز^{۱۴} (۱۹۸۱) به نقل از همان منبع، اعتقاد دارند بین محرومیت‌های بدنی و ناسازگاری شخصیت ارتباط وجود دارد. آنها در پژوهش خود که در آن ۲۷ کودک نابینای مادرزاد یک تا چهار ساله را مورد مطالعه قرار دادند، به این نتیجه رسیدند که ابتلا به اختلال‌های شخصیتی در کودکان نابینای مادرزادی که در معرض مشکلات شخصیتی هستند، بنای زیست‌شیمیایی ندارد، بلکه ریشه‌ی روان‌زاد دارد.

روش

جامعه‌ی آماری مجموعه دانش‌آموزان نیمه‌بینا در مدارس تلفیقی - استثنایی شهرستان اصفهان بود و نمونه‌ی آماری ۳۰ نفر از مدرسه‌ی ویژه (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) و ۳۰ نفر از مدرسه‌ی تلفیقی (۱۵ دختر و ۱۵ پسر) بود که تصادفی انتخاب شدند.

روش پژوهش توصیفی از نوع علی‌مقایسه‌ای بود. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش رشد اجتماعی واینلند^{۱۵} بود که به عنوان شاخصی برای تعیین رشد اجتماعی به صورت شفاهی و انفرادی مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه‌ی رشد اجتماعی واینلند در

جدول شماره (۲) بررسی مقایسه‌ای میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بینای دختر مدارس استثنایی و مدارس تلفیقی

شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
دانش‌آموزان نیمه‌بینا	۹۷/۲۷	۶/۵۹	۳/۵۷	۰/۰۰۱
دختر مدارس استثنایی	۱۰۴/۱۶	۳/۵۲		

جدول شماره (۴) بررسی مقایسه‌ای میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بینا براساس پایه‌ی تحصیلی

شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	t	توان آزمون	سطح معناداری
اول راهنمایی	۱۰۰/۵۹	۶/۴۷	۱۳/۲۵	۰/۱۲	۰/۶۴
دوم راهنمایی	۱۰۱/۷۵	۵/۱۲			
سوم راهنمایی	۹۹/۹۷	۳/۶۱			

براساس جدول شماره (۲) و t مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ تفاوت معناداری بین میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بینای دختر مدارس استثنایی و مدارس تلفیقی وجود دارد. بررسی میانگین دو گروه دانش‌آموزان نشان می‌دهد دانش‌آموزان دختر نیمه‌بینایی که در مدارس تلفیقی تحصیل می‌کنند، از رشد اجتماعی بهتری نسبت به دانش‌آموزان دختر نیمه‌بینای مدارس استثنایی برخوردارند.

براساس جدول شماره (۴) F مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ تفاوت معناداری را بین میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بینا براساس پایه‌ی تحصیلی نشان نمی‌دهد. به عبارت دیگر، رشد اجتماعی دانش‌آموزان پایه‌ی اول، دوم و سوم راهنمایی یکسان بوده است.

جدول شماره (۳) بررسی مقایسه‌ای میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بینای پسر مدارس استثنایی و مدارس تلفیقی

شاخص‌های آماری	میانگین	انحراف معیار	t	سطح معناداری
پسر مدارس استثنایی	۱۰۰/۸۰	۵/۲۷	۰/۱۴۱	۰/۸۹
پسر مدارس تلفیقی	۱۰۰/۵۷	۳/۵۴		

براساس جدول شماره (۳) t مشاهده شده در سطح $P \leq 0/05$ تفاوت معناداری را بین میزان رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر نیمه‌بینا نشان نمی‌دهد. به عبارت دیگر، رشد اجتماعی دو گروه دانش‌آموزان یکسان بوده و مدارس استثنایی یا تلفیقی تأثیری بر افزایش رشد اجتماعی آنها نداشته‌اند.

بحث
یافته‌های حاصل از آزمون t، همانگونه که در جدول ۱ مشاهده شد، فرضیه‌ی مطرح شده را با توان آماری ۹۹ درصد تأیید کرد. بدین معنا که رشد اجتماعی دانش‌آموزان نیمه‌بینا که در مدارس عادی تحصیل می‌کنند، نسبت به دانش‌آموزان نیمه‌بینای مدرسه‌ی استثنایی (ابابصیر) بهتر است.

نتایج این پژوهش با پژوهش نظری راد (۱۳۷۴) که به بررسی مشکلات دانش‌آموزان نابینا، دیدگاه خودشان و آموزگاران پرداخته همخوانی ندارد، اما با یافته‌های افتخار (۱۳۸۱) درباره‌ی بررسی کیفیت زندگی دانش‌آموزان نابینا و همتای بینای آنها همخوانی دارد.
رشد اجتماعی دانش‌آموزان دختر نیمه‌بینای مدارس تلفیقی نسبت به مدارس ویژه بهتر است.

معناداری بین آموزش به روش جداسازی و آموزش تلفیقی بین هیچ یک از گروه‌های نابینا، ناشنوا و جسمی حرکتی به دست نیاورد. البته ممکن است تأثیر اساسی مدرسه در سازگاری‌های اجتماعی این گروه‌ها باشد که اصولاً در سال‌های پس از پژوهش باید مورد بررسی قرار گیرد. همچنین تفاوت نتایج، پژوهش‌های وسیع و دقیق‌تری را می‌طلبد. کاتس فورث نیز همسو با نتایج این پژوهش بیان کرده که زبان غیرواقعی که نابینایان به کار می‌برند، وسیله‌ای برای کسب مقبولیت اجتماعی است و می‌خواهند تا با این روش موقعیت‌های اجتماعی را تجربه کنند. این هدف در آموزش کودکان در مدارس عادی حاصل می‌شود.

اروین^{۱۴} (۱۹۹۱) مخالف یکپارچه سازی بود و در پژوهش خود به این نتیجه رسید که جای تعجب باید باشد که صرف گذاشتن یک کودک خردسال آسیب دیده‌ی بینایی در کلاس پیش دبستانی کودکان بینا، بدون اینکه طرح ریزی دقیقی شود یا فردی از او حمایت کند، نتیجه‌ی خوبی به بار آورد.

یک جنبه‌ی مهم گنجاندن کودک در کلاس عادی این است که یک الگو یا کارگروهی بین آموزگار کلاس درس و مشاور بینایی وجود داشته باشد. در غیر این صورت کودک آسیب دیده‌ی بینایی ممکن است از نظر اجتماعی در کلاس تلفیقی منزوی شود، به ویژه زمانی که این کلاس تنها بر موارد تحصیلی متمرکز باشد (ککلیس و ساکس، ۱۹۸۸).

هالاها و کافمن (۱۹۸۶) در مورد جایگزینی کودکان آسیب دیده‌ی بینایی در کلاس‌های عادی اظهار می‌کنند با افزایش حضور کودکان آسیب دیده‌ی بینایی در کلاس‌های معمولی، آموزگاران باید بدانند چگونه مسائل خصوصی مربوط به

نتایج در این قسمت با پژوهش نوذری (۱۳۷۴) که به بررسی و مقایسه‌ی بلوغ اجتماعی پسران نابینا پرداخته، همچنین با نظر مستعلمی (۱۳۸۱) که اثربخشی آموزش مهارت‌های اجتماعی بر افزایش اعتماد به نفس دختران دبیرستان نرجس تهران را بررسی کرده، همسو و با نظر شیرانی درباره‌ی تأثیر آموزش شناختی بر عزت نفس دانش‌آموزان دختر و پسر مقطع راهنمایی اصفهان یکسان است (۱۳۸۲).

همچنین نتایج نشان داد نوع مدارس بر رشد اجتماعی دانش‌آموزان پسر نیمه بینا تأثیر نداشته است.

در کل، نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش‌های پژوهشگرانی مثل پک و دیگران (۱۹۹۳)، کودکان و موره (۱۹۹۷)، مایر و فیشر (۲۰۰۲)، ناکن و پیچ (۲۰۰۲)، آنت و همکاران (۲۰۰۱) همخوان است. همه‌ی این پژوهشگران تأثیرات مثبت تلفیق و رشد اجتماعی دانش‌آموزان ناتوان را گزارش کردند. در مقابل، این یافته‌ها با نظر رابرت و زوبریک (۱۹۹۳) و الکس (۱۹۹۶) ناهمخوان است. این اختلاف نظر‌ها ممکن است به دلیل نوع آزمون مورد استفاده، نحوه‌ی نمونه‌گیری یا محدودیت نمونه‌ها باشد.

ابتلا به اختلال‌های شخصیتی در کودکان نابینای مادرزادی که در معرض مشکلات شخصیتی هستند، مبنای زیست‌شیمیایی ندارد، بلکه ریشه‌ی روان‌زاد دارد.

صالحی (۱۳۸۲) به وسیله‌ی پرسشنامه‌ی خودساخته، چک لیست، کارنامه‌های تحصیلی و ... به بررسی مقایسه‌ای جنبه‌های مختلف هوش، پیشرفت تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان تلفیقی پرداخت و تفاوت

مشابهی در مقاطع تحصیلی دبستان و دبیرستان نیز انجام شود.



محدودیت دیگر این پژوهش به محیط پژوهشی باز می‌گردد، یعنی این پژوهش در اصفهان اجرا شده و تعمیم به شهرستان‌های دیگر را باید با احتیاط انجام داد. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های مشابهی در استان‌های دیگر نیز انجام شود.

محدودیت دیگر آن است که عواملی همچون نگرش والدین به ناتوانی نیمه بینایی، نگرش‌های مذهبی و عوامل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی کنترل نشده اند و پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر این عوامل کنترل شوند.

نیازهای آنها را حل کنند. دختران به طور معناداری تأثیر تفاوت محیط‌های آموزشی را (به شکلی که محیط آموزش تلفیقی با رشد مهارت‌های اجتماعی همبستگی مستقیم دارد) نشان دادند. نتایج آماری و مقایسه‌ی تأثیر رشد اجتماعی دختران نیمه بینا با پسران نیمه بینا در محیط‌های تلفیقی، نشان می‌دهد میزان همبستگی در دختران تقریباً کل همبستگی محیط تلفیقی با رشد مهارت‌های اجتماعی هر دو جنس را شامل می‌شود و در مورد دختران، به علت تأثیرپذیری آنها در این مورد خاص لزوم تلفیقی بودن آموزش و تأثیر آنها بر رشد مهارت‌های اجتماعی بیشتر محرز می‌گردد و توجه ویژه‌ی متخصصان برای جایگزینی درست این گروه از دانش‌آموزان را می‌طلبد.

نتایج و یافته‌های پژوهش

یکی از محدودیت‌های پژوهش مربوط به جامعه‌ی آماری است، یعنی گروه مورد پژوهش "دانش‌آموزان نیمه بینای دوره‌ی راهنمایی" بوده‌اند که امکان تعمیم نتایج را به سایر گروه‌های تحصیلی نخواهد داد. از این رو پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های

زیرنویس‌ها :

- 1 - Pajina
- 2 - Stinbavk
- 3 - Eares
- 4 - Cellen
- 5 - kiklelis
- 6 - Gilford
- 7 - Robert

- 8 - Hallahan & Kauffman
- 9 - Colis
- 10 - Bateman
- 11 - Meares
- 12 - viaeland
- 13 - Dall
- 14 - Erwin

منابع :

- افتخار، حسن ، (۱۳۸۱). بررسی کیفیت زندگی دانش آموزان نابینا و همتای بینای آنها، اندیشه و رفتار دوره ۷، شماره ۴.
- پورلاکانی، سپیده. (۱۳۸۱). بررسی تأثیر آموزش بر آگاهی و نگرش دانش آموزان دختر دبیرستانی نابینای مرکز آموزش استثنایی استان تهران در رابطه با برداشت بهداشت بلوغ. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشت و درمان ایران.
- جان مایر. رشد شخصیت و بهداشت روانی. ترجمه نظیری، سیما. (۱۳۸۱). انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
- حسینی، زاهد. تفضلی مقدم، عبدالحسین. (۱۳۸۰). روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان دارای ضایعات بینایی. ناشر دانشگاه امام رضا.
- دانیل بی. هالامان. جیمز ام. کافمن. کودکان استثنایی. ترجمه مجتبی جوادیان. (۱۳۷۱). آستان قدس رضوی.
- شیرانی ، عبدالله، (۱۳۸۲) اثربخشی آموزش شناختی بر عزت نفس، دانش آموزان پسر و دختر آموزشگاه ابابصیر - شهر اصفهان . پایان نامه ی کارشناسی ارشد روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان
- قباشی، ن. (۱۳۷۹). بررسی رابطه رشد اجتماعی و عزت نفس دانش آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه اصفهان، ایران.
- مستعلمی ، فروزان. (۱۳۸۱). بررسی اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر افزایش اعتماد به نفس دختران نابینای شهر تهران. پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته روان شناسی. دانشگاه الزهرا.
- نظری راد، منصوره . (۱۳۷۴). بررسی مشکلات دانش آموزان دوره راهنمایی در زمینه برقراری ارتباط و فراگیری درسی از دیدگاه خودشان و معلمین آنان . پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روان شناسی. دانشگاه علوم پزشکی ایران
- جان مایر. رشد شخصیت و بهداشت روانی. ترجمه نظیری، سیما. (۱۳۸۱).
- نوذری، قاسم. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه بلوغ اجتماعی پسران نابینا و ناشنای پایه پنجم ابتدایی مدارس استثنایی شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی. دانشگاه علامه طباطبائی.
- وایتزمن، ال. رشد شخصیت و بهداشت روانی، ترجمه نظیری. (۱۳۸۰). انتشارات انجمن اولیاء و مربیان .

Van Hasselt, Vincent B. (1985). *Behavior Research and therapy*. PP: 395-405.

Van Hasselt, Vincent B. (1987). *psychological approaches with deaf-blind persons: strategies and issues in research and treatment*. U.S.A. Issue 3. PP 303-328

Van Hasselt , Vincent B. (1983). *Social adaptation in the blind*. Elsevier science Ltd. Issue . PP: 87-105